

نویسنده: دکتر فیلیپ حتی
استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک

ترجمه: آقای احمد منزوی

از مجله الهلال مصر .

علوم شرق اسلامی چگونه با اروپا رفت؟

در پانزدهم هر سال میبینیم که کشتیها شماره بزرگی از استادان امریکایی و فرانسوی وانگلیسی را در سواحل مصر و سوریه فرود میآورند؛ اینان برای نشر و ترویج زبانهای انگلو ساکسون ولاتین و تعلیم مبادی و اصول فلسفی اروپائی میآیند.

اما نکته که در اینجا جلب توجه میکند این است که نه فقط علم از غرب بشرق آمده و میآید، بلکه غرب نیز در ازمنه پیش سالیان متمادی از منابع شرقی سیراب میشده است.

مسئله اول امر تازه ایست، ولیکن قسمت دوم بسیار کهنه و درخور توجه است!! تفاوت مهمی که میان این دو میباشد آنستکه سیلاب علوم شرق بدست اروپا میان بطرف غرب رهسپار شده ولی شرقیها برای بدست آوردن علوم مغرب زمین کوششی از خود بکار نبرده اند و اگر امروزه میبینیم که آن علوم در شرق رواج یافته مرهون همت غربیهاست که بدست خود علوم غرب را بشرق نقل مینمایند.

(تماس شرق و غرب در کوههای پیرانه)

تسلط مسلمین بر آندلس اولین حلقه تماس بین شرق و غرب و از سلسله حوادثی بود که در نتیجه آن علوم و معارف شرقی در غرب راه یافت.

شکی نیست که فتوحات مسلمین در جنوب غربی اروپا و استواری ایشان در آندلس مدت چند قرن، سبب شد که از ایشان دانشمندی مانند ابن رشد و ابن خلدون و دیگران بظهور رسید که در نتیجه فلسفه و علوم شرقی در اذهان اسپانیها و فرانسویها و از ایشان بدیگران نفوذ یافت. همین وجود مسلمین در اروپا سبب شد که کتابهاییکه دانشمندان اسلامی در دانشگاههای بخاری و الجزیره و شام تألیف کرده بودند ترجمه شده و در اروپا منتشر گردید. ما فقط بکتاب قانون تألیف ابن سینا استشهاد میکنیم، که چگونه دانشمندان اروپائی آن را بگانه برنامۀ بزشکی خود در مدت پنج قرن (۱۲-۱۷) قرار داده بودند. این کتاب در سال (۱۴۹۱م) بزبان عبرانی ترجمه شده و نسخه اصل عربی آن در سال (۱۵۹۳)

در زوم بجای رسیده، سپس بلاتینی ترجمه شده. و همچنین باقی تألیفات ابن سینا را در منطق و فلسفه طبیعی بلاتینی ترجمه نموده اند، و نیز بیشتر تألیفات ابن رشد را بیش از آنها ترجمه کرده بودند، ولیکن متأسفانه ترجمه نوشته های ابن رشد غیر مرتب و درهم میباشد.

باید متذکر شد که دانشمندان و فلاسفه یهود مانند دوزبات شناس معروف ابن حیوج و کمخنی، و جیروول شاعر، و میمونیدس (ابن میمون) فیلسوف، که در کوه های پیرنه اروپا نشوونما کرده اند، یک عامل مؤثری در توجه افکار آنها به معارف شرق اسلامی بوده اند. مثلاً ابن حیوج ملقب به (ابی النحوی العبرانی) در مراکش سال (۹۵۰) تولد یافت و در شهر قرطبه (CORDOVA) زندگی میکرد، و همچنین زندگی میمونیدس (۱۱۳۵ - ۱۲۰۴ م) در شهر قرطبه بود، و ابن جیروول (۱۰۲۱ - ۱۰۷۰ م) و کمخنی (در اثنای قرن دوازدهم) در جنوب اسپانیا زندگی کرده اند، بلکه بیشتر دانشمندان یهود در آن زمان کتابهای خود را برعبری نوشته اند، اما بحر و عرف عبرانی، و آثار تمدن شرقی در نوشته های آنها کاملاً پیداست.

تأثیر فرهنگ شرق عربی در تمدن اروپا در قرون وسطی امری است که مردم چه از شرقیان و چه از خاورشناسان در آن مبالغه بسیاری کرده اند، تا جائیکه بعضی از محققین، بیشتر اصول تمدن غرب را بمبادی شرق میبوندند، و از آنجمله اخیراً خاورشناس امریکائی (WIENER) استاد دانشگاه هافورد کتابی در دو جلد نوشته که میخواهد در آن اثبات کند که یک قسمت زیادی از تمدن گوتمیک عربی الاصل میباشد، چنانچه عده بسیاری از لغات گوتمی را در درجه اول و آلمانی و انگلیسی را در درجه دوم مشتق از کلمات عربی دانسته، و میان هر دو کلمه که اندک سنخیت لفظی باهم داشته باشند یک علاقه (بیولوژی) برقرار میداند.

با همه زیانها که در پی خود داشت بالطبع دارای يك نتایج خوبی **جنگهای صلیبی** نیز بوده است، یکی از فوائد معنوی آن بود که برای نخستین بار اروپائیان را بگنجینه های علوم ریاضی و فلسفی و پزشکی و فلسفی شرق آشنا کرد، و برای آنان اقتباس از آنها را آسان نمود. آن کشتیهاییکه جنگجویان را بشرق فرود میآورد بجای آنها کالاها و مصنوعات را بفریب نقل میداد، چه در راهی که مال التجاره نقل شود علوم و صنایع بدتبال آن براه خواهد افتاد، زیرا که در هر نقطه قدم اول را جنگجو و گام دوم را تاجر و سوم را دانشمند مینهد این سه اصل همیشه در تاریخ اجتماعی بشر مؤثر بوده است.

و غلبه تر کها بر حکومت بیزانس در نیمه قرن پانزدهم، موجب **سقوط قسطنطنیه** آن شد که عده زیادی از دانشمندان یونان بسداخل قساره اروپا کوچ کرده، و مقدار بیشماری مجلدات کتاب همراه خود باروپا نقل کردند، و

پیش از آن ادبا و دانشجویان ایتالیائی و غیر ایتالیائی برای تکمیل علوم عالیہ بآتن و قسطنطنیہ میآمدند، سپس بواسطه این فتح و مهاجرت دانشمندان بداخل اروپا، يك ميل تازه بفرسفه يونان و فرسفه شرقی درميان اروپائيان پيدا شد، و اين را بايد حلقه سوم از تاريخ ارتباط شرق و غرب دانست.

جنبش بزرگ افکار در اواخر قرن پانزدهم در دنياي افکار اروپائيان جنبش بزرگی دیده میشود، که مقصود از آن زهائی از زیر بار اعتقادات و تقالید دینی و فرار از بندار بافی های فلسفه بوسیده موهوم و برگشتن بعلوم قدیمه يونان بود و اين جنبش را رنسانس (RENAISSANCE) مينامند، اين تحول فکری نتیجه سه عامل اساسی بزرگ میباشد: ۱- فتوحات مسلمین در اسپانيا ۲- جنگهای صلیبی ۳- سقوط قسطنطنیه. در اواخر اين دوره اروپائيان را يك ميل زيادی در کنج کاوی برای شناختن گذشته و طرز تفکر شرقيان دست داد، زیرا میان ملل يونان و روم و ملل شرقی بستگی های اخلاقی و ادبی و توافق خون و نژاد وجود داشت و علاوه موجبات دیگری هم بشرح زیر در بين بوده است.

«موجبات»

عاطفه دینی مسکن است گفت اولین و ادار کننده اروپائيان بر کنجکاوی در اطراف علوم شرقی همان نظریات دینی بوده است، چه قسمت زیادی

از آنها بخصوص (گلریک ها) بیشتر مطالعات خود را در علوم شرقی روی کتب دینی قرار دادند تا بهتر بتوانند بیک حمله تبشیری و تبلیغی اقدام کنند، و نخستین مدرسه که برای این منظور برپا شد مدرسه مقدس ایمان بود. که بوسیله پاپ گریگور بوس پانزدهم در سال (۱۶۲۲ م) دائر شد و پس از آن دانشکده دیگری برای تبلیغات دینی در زمان اوربانوس هشتم در سال (۱۶۲۷) تأسیس گردید، و مقصود هر دوی آنها تربیت مبلغین و چاپ کتب دینی برای کلیساهای شرق بود.

استعمار و تجارت بزرگترین عامل نزدیک شدن اروپائيان بعلوم شرق همانا امور سیاسی و اقتصادیست.

حکومت فرانسه از مدتها پیش يك توجه خاصی بمسیحیان بلاد مقدسه داشت و همیشه دانشمندان خود را بفرار گرفتن دروس و معارف شرقی بر میانگیخت، و در قرن هجدهم، بلکه پیش از آن، دانشمندان را برای فرا گرفتن تاریخ و زبان و بررسی دین عقاید دینی بشرق نزدیک گسیل میداده. چنانچه از مقدمه کتاب (گرماتیک عربی) تألیف (DESAVARY) که در سال (۱۷۸۴ م) بدولت متبوعه خود برای چاپ تقدیم نموده (ولیکن پیش از سال (۱۸۱۳ م) بچاپ نرسید) بخوبی این معنی مفهوم میشود.

بعلاوه تاریخ نشان میدهد که روابط دوستی ملت فرانسه بسا ملت سوریه

بسیاری از فرانسویان را بفرآ گرفتن علوم عربی و ادار ساخت بخلاف ملت انگلیس (۱) که با وجود روابط زیادی که با ملل اسلامی داشته جز در این اواخر مستشرقین زیادی بیرون نداده، در صورتیکه خاورشناسی در آلمان جنبه استعمار آن از همه آشکارتر بوده، و روسیه با آنکه چندان علاقه به علوم شرقی نداشته معذک اخیراً توجهی باین قسمت از علوم پیدا کرده است.

« وسائل »

افراد از اوائل قرن دهم میلادی در تمام شهرهای عمده اروپا خاورشناسانی بوده اند که سعی و کوشش زیادی در اطراف زبان و طرز تفکر شرقیان میکرده، و بیشتر عمر خود را در این راه، چه از روی هوس و چه برای مقصود معینی صرف کرده اند برای مثال کافی است بدو قضیه اشاره کنیم که یکی قدیم و دیگری نوین میباشد:

در ایتالیا امروز دانشمندی است بنام پرنس کیتانی (LE ONE, CAETANI) میباشد. که بزرگترین خدمت را به عالم اسلامی کرده است، این خاورشناس در سال (۱۹۰۵ - ۱۹۰۸ م) هشت جلد کتاب بزرگ باگراورهای جالب توجهی در تاریخ اسلام نوشته، که میتوان گفت تقریباً بی نظیر میباشد.

این کتاب علاوه بر تاریخ اسلام يك تاریخ عمومی است، که مطالب آن بترتیب سالها قرار داده شده و قایم مهمه آن از مدارك قدیمی عربی به ترتیب سال حدوث نقل شده است، و دارای حاشیه ها و نقشه هائی میباشد، و اگر این کتاب یکی از زبانهای دیگر اروپائی نوشته شده بود هر آینه استفاده بیشتری از آن میشد.

یکی دیگر ریمون لال (RAIMON LULL) میباشد که در قرن سیزدهم میلادی در ولایات کتالونیا (CTALONIA) - از زمینهای اسپانیا - زندگانی میکرد، وقت خود را بتدریس لغت عربی و تأسیس مدارس برای تربیب استادان و مبلغین دینی صرف نمود.

ریمون مدت نه سال دو دیرفرنسیسکان در میرمار (MIRAMAR) به تحصیل عربی مشغول بود و کتابی هم تالیف نمود که در آن آثار واضحی از کلیله و دمنه وجود دارد.

ریمون سفری برم کرد بقصد آنکه باب کلیمسوس پنجم و پنجاهم هشتم را بتأسیس مدارس تبشیری برای تعلیم علوم شرقی و ادار کند. پس از آن نیز سفرهائی بیاریس و منتیپلیر و ژنوو قبرس کرده، ولی بمقصود خود نرسید.

(۱) مخفی نماند که نویسنده مقاله در این چند سطر تحت نفوذ سیاست وقت واقع شده زیرا نظر استثماری ملت انگلیس نسبت بشرق همیشه بیش از سایر ملل اروپا بوده است.

جمعیتها امروز در شهرهای بزرگ اروپا انجمنهایی مانند اکادمی همایونی آسیائی لندن ، و اکادمی آسیائی فرانسه موجود میباشد که عده زیادی از خاور شناسان را که از دانشمندان غربی و دوست داران علوم و ادبیات شرق میباشدند در بر دارد مقصود این انجمنها غالباً همان کوشش در مباحث علمی از لغت و فلسفه و تاریخ و ادیان شرقیان و همچنین توسعه دائره معلومات اعضا، انجمن بوسیله سخنرانیها و نشریه های ماهیانه و چاپ کتب مفیده میباشد .

علمای مارونیان درست است که مسلمانین اندلس و جنگهای صلیبی و دولت بیزانس سه عامل مهم انتقال علوم و آداب شرقی بفرپ بوده اند ، اما شکی نیست که خاورشناسان متأخر اروپائی فرزندان مسلمانین اندلس نبیاشند بلکه دست پرورده دانشمندان مارونی لبنان میباشدند .

همان کسانیکه در قرن شانزدهم و پس از آن زبان عربی و سریانی را بایتالیا و فرانسه وارد نموده اند ، و در اینجا مبادی فلسفه و تاریخ و دیانت شرقی را انتشار داده اند ، و در اروپایمیان حس کنجکاوی و تتبع در افکار فرزندان شرق نزدیک ایجاد نموده اند و بالاخره میتوان گفت که لبنانیان در آشنا نمودن غرب بعلوم شرقی سهم بزرگتر بر احرارز کرده کرده اند .

اولین استاد زبان شناس سریانی در اروپا یوسف خوری میباشد ، که از طرف بطریق سمعان در سال (۱۵۱۵ م) بروم رفت ، و اولین کتابی که در نحو سریانی در اروپا نوشته شده است نگارش زبان شناس جرجیس میخائیل عمیره بوده که یکی از شاگردان دانشگاه مارونیان در روم میباشد .

ونخستین کسی که تاریخ فلسفه شرق را بزبان فرانسه نگاشت ابراهیم حاقلانی (۱) میباشد که در نزاروپایمیان معروف به (ECCEHELENSI) است ، حاقلانی استاد دوزبان عربی و سریانی در دانشگاه روم و پاریس بوده و در سال (۱۶۶۴ م) در سن شصت و چهار سالگی پس از تالیف شصت کتاب در تاریخ و فلسفه شرقی و زبانهای سامی در گذشت .

و اولین کسی که تاریخ مارونیان را بلائینی نوشت « مرهج نرون » از شهر « بان » لبنان بوده ، که بجای خالوی خود ابراهیم حاقلانی استاد دانشکده « شاپنزا » در روم بود ، و در سال (۱۷۱۱ م) در گذشت .

و از استادان دانشکده شاپنزا یکی جبرائیل صهیونی میباشد (۱۵۷۲ -

(۱) حاقلان از بلاد لبنان است . این مرد زبان فارسی را نیز میدانسته چنانچه کتاب « جام گیتی نما » را بلائین و عربی ترجمه نموده در سال ۱۶۶۱ م در پاریس چاپ نموده برای تفصیل رجوع شود بذریعہ (ج ۵ - ص ۲۵ س ۴ و ۱۸)

« مترجم »

۱۶۴۷ م) که پس از استادی در شاپنزا بترجمی «لوتی سیزدهم» انتخاب شد، و سپس باستانی زبانهای ساسی در (سربت) معینی گردید، بالاخره باکمک یوحناي حصروتي توراۃ را ترجمه نمود.

بیشتر این دانشمندان از دانشکده بیرون آمده اند که در سال (۱۶۵۸ م) برای دانش آموزان مارونی تأسیس شده بود، و بدون شك این دانشکده از عوامل بزرگ انتشار علوم شرقی و زبان ساسی در ایتالیا و فرانسه و سایر نواحی اروپا می باشد.

در اینجا برسدی برمیخوریم که میتوان زندگانی او را یگانه حلقه اتصال میان علوم شرقی و دانشمندان اروپادانست و او یوسف سمعان سمعانی است که بزرگترین دانشمندیست که سوریه تا امروز بیرون داده است، سمعانی در طرابلس بسال (۱۶۱۷ م) دنیا آمده و در روم بسال (۱۷۶۸ م) درگذشت، باپ او را دوبار بسوریه برای جمع آوری مخطوطات شرقی فرستاد کلیمنسوس دوازدهم او را مدیر دوم کتابخانه واتیکان معین نمود، او هم دهها از کتب خطی عربی و فارسی و سریانی و ارمنی و عبرانی و یونانی را بچاپ رسانیده و منتشر نموده است، و مهمترین نوشته های یوسف کتاب المکتبة الشرقية (BIBLIOTECA, ORIENTALIS) میباشد، که از بزرگترین مصادر خاور شناسان بشمار است. بقیه دارد

ساری: طاهری شهاب

عشق همیشه

بهنگام خزان و برک ریزان	ندروی گفت باجانانه خویش
ز سیر گیتی و تغییر ایام	عجایب دیده ام در لانه خویش
یکایک رنج و خوشبختی که دیدم	بوقت سیر بهر دانه خویش
مر از آغاز وز انجام اینکار	چنین معلوم شد درخانه خویش
در این منزل حکه چندی باریستم	دراو پرورده ام در دانه خویش
بیاید شکر تنمیش بجان گفت	بهر هنگام از کاشانه خویش

هر آندل را که عشق میهنش نیست

بمالم نیستش بهتر از زیست